



## بررسی عوامل مؤثر در تربیت دینی از منظر نهج البلاغه و اندیشه‌های شهید مطهری

وحید قاسمی (نویسنده مسئول)، وحید رشیدی، جواد ذوالفقاری

Gmail: Ghasemi.vahid1372@gmail.com- 09154562979

### چکیده:

تربیت دینی یکی از اساسی ترین مسائل جوامع اسلامی است که بحث های فراوانی دارد. تبیین دقیق تربیت دینی و شناسایی عوامل و موانع تاثیرگذار در آن از مهم ترین مسائل مربوط به حوزه دین و تربیت است. مقاله حاضر، با محور قرار دادن این موضوع، در صدد بررسی این سؤال است که در تربیت دینی چه عواملی مؤثر است؟ و چه موانع اساسی بر سر راه تربیت دینی وجود دارد؟ به همین منظور، ابتدا مفهوم تربیت و تربیت دینی مورد بررسی قرار گرفته و سپس عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی (ع) و فیض کاشانی و همچنین استاد شهید مطهری تبیین شده است. عوامل مؤثر در تربیت، قواعد عمل برای رسیدن به هدفهای تربیتی به شمار می آید. به همین دلیل در شکل گیری اهداف تربیتی این عوامل تأثیر مستقیم دارند. نظر به اینکه از دیدگاه شهید مطهری، تربیت انسان الهی هدف غایی نظام تعلیم و تربیت الهی است، که می توان با شناخت این عوامل به تحقق این هدف کمک کرد. یافته های این تحقیق نشان داد که در صورت برخورداری از تربیت دینی و انسانی بالا و به کار بستن روش های مناسب آن توسط معلمان، دارای جامعه سالم با فضائل انسانی و اسلامی به دور از بحران های اخلاقی خواهیم بود. بر اساس ماهیت مطالعه انجام شده، روش مورد استفاده در پژوهش حاضر به صورت کتابخانه ای یا به عبارتی اسنادی است. برای دستیابی به مطالب مورد نظر کتب، اسناد و مقالات مرتبط با موضوع و سایت های رسمی برخی ارگان ها و سازمان ها از قبیل وزارت آموزش و پرورش ایران و سایر کشورها مورد بررسی قرار گرفت. نکات مهم و مرتبط با پژوهش از طریق نت برداری، گردآوری و در نهایت ارزیابی گردید.

کلید واژه: تربیت، تربیت دینی و انسانی، عوامل مؤثر، نهج البلاغه، مطهری



# اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

## مقدمه:

نخستین گام در بررسی هر موضوع مفهوم شناسی آن است، زیرا اگر تصویر درست و روشنی از معنا و مفهوم موضوع نداشته باشیم، در مسیر جستجو و بررسی به بی راهه می‌رویم و هر قدمی که برداشته شود، از هدف دورتر می‌شویم. اما موضوعی که ما در اینجا بررسی می‌کنیم عواملی است که بر تربیت دینی و انسانی تأثیرگذار است، این موضوع به رغم کاربرد گسترده و فراگیر آنگونه که شایسته است، مورد بررسی همه جانبه قرار نگرفته است. بیش از آن که به این عوامل بپردازیم ابتدا تربیت و تربیت دینی و انسانی را تعریف می‌کنیم.

## مفهوم تربیت:

تربیت (پرورش) به جریان یا فرآیندی مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است (دلشاد تهرانی، 1379: 14، به نقل از سبحانی نژاد و فریمان، 1390: 12). تربیت به مفهوم عام آن، شامل جنبه های گوناگون جسمانی، روانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است که هر یک از این ابعاد به لحاظ روانشناختی و تربیتی در زندگی انسان اهمیت فراوانی دارد (شریعتمداری، 191، 192، 1374).

## تربیت و معنای لغوی آن:

از بررسی تفصیلی این واژه در کتاب های گوناگون لغت عرب معلوم می‌شود که این واژه بادو ریشه «رَبَّ» و «رَبَو» در ارتباط است. ریشه اول به معنای گوناگونی چون (حضانت «در دامن خودپروردن»، اصلاح، تدبیر «پایان کاری را نگرستن»، خود رسیدگی نمودن، سرپرستی، تأدیب) و ریشه دوم به معانی متعددی چون (زیاد شدن، تغذیه نمودن، بالا رفتن) بکار رفته است (بناری، 1383: 60-59، مهدی زاده، 1383: 98-95). با نگاه مختصری به این معانی مشخص می‌شود که معانی ریشه دوم بیشتر ناظر به پرورش جسمی و مادی و معانی ریشه اول ناظر به بعد معنوی است.

## تربیت در آیات قرآن:

خداوند در آیه 24 از سوره اسراء می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»؛ بگو خدایا به پدر و مادر من که مرا در کودکی و خردسالی بزرگ کرده اند، رحم کن. در آیه دیگری می‌فرماید: «قَالَ اَلَمْ نُرَبِّكَ فَيَنَّا وَلِيدًا و لَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ» (شعراء، 18)؛ ای ما تو را در کودکی بزرگ نکرده ایم و چندین سال از عمرت را در میان ما سپری نکرده ای.



## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

در این دو آیه از مشتقات ماده «رَبَّ» در مورد انسان، سه واژه «رَبَّانین یا رَبَّانِیون، رَبَّیون و رَبَّانیت» بکار رفته است، رَبَّانین و رَبَّانِیون جمع ربانی است که طبق دیدگاه علامه طباطبائی به کسی گفته می شود که تنها متوجه خداوند باشد و به غیر او مشغول نشود (طباطبائی، بی تا، ج 3: 276، به نقل از همت بناری، علی، 1389). البته ایشان برای واژه رَبَّانِیون معنای «مربی» را ذکر کرده اند (همان، ج 5: 343). واژه ربین به معنای کسی است که پیوند محکم با خدا داشته و به غیر او مشغول نشود (همان، ج 3: 41، به نقل از همت بناری، علی، 1389).

### تربیت دینی:

دایره المعارف بین المللی تربیت، تربیت دینی را چنین تعریف می کند: تدریس منظم و برنامه ریز شده که هدف آن دستیابی فرد به اعتقاد هایی در باره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگیو ارتباط انسان با پرور دگارش و دیگر انسان هایی که در جامعه با آنها زندگی می کند و بلکه با همهاد بشر است (مشایخی راد، 1385: 70، به نقل از صالحی و تهامی، 1388).

تربیت دینی تمام عیار مشتمل بر تربیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است و اساساً یکمؤمن راستین نمی تواند از بینش، ارزش، احساس، انگیزه و کنش های سیاسی متناسب با اقتضاعاتایمانی و تعهدات اجتماعی خویش، کاملاً بر کنار باشد (عطاران و همکاران، 1387). بنابراین تربیتدینی در تمام ابعاد زندگی بشر تأثیر گذار است. با نگاهی اجمالی به سیره بزرگان دین و تأمل در درون مایه های تربیت دینی صحت این ادعا را به روشن ترین بیان ممکن مبرهن می سازد.

حضرت علی (ع) در نامه ای بهفرزندانشان می فرماید: «همانا کودک و نوجوان مانند زمین کاشته نشده آماده پذیرش هر بذریاست که در آن پاشیده شود، پس در تربیت تو شتاب کردم، قبل از آن که دل تربیت پذیرت سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد» (نهج البلاغه، نامه 31: 523، به نقل از صالحی و تهامی، 1388). بنابراین تربیت فرزندان باید از همان بدو تولد به بهترین شکل ممکن صورت گیرد. اما بعضی از خانواده ها از یک طرف، مراکز آموزشی را مسئول تعلیم و تربیت فرزندان دانسته و بهاعتقاد «یلچ» انتظار تربیت تمام و کمال فرزندان را از این مراکز (چنین انتظاری از مراکزآموزش عالی به مراتب بیشتر است) دارند (بهنام، 1381، به نقل از موسوی، سید صدرالدین، درودی، مسعود، 1391). و از طرف دیگر اساتید و معلمان را همچون دشمنانی تلقی می کنند که فرزندان را از زیر سلطه آنان رها نموده و از طریق اشنا ساختن آنها با افکار و نظرات جدید منجر به ایجاد شکافو تعارض میان آنها و فرزندان شان شده اند (ایزدی، 1388: 25، به نقل از موسوی، سید صدرالدین، درودی، مسعود، 1391). در مقابل مراکز آموزشی نیز معتقدند که فرا گیران به خصوص دانشاموزان به نحوی کارآمد و مؤثر تربیت



# اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

نیافته و از این رو توان ایفای نقش به نحوی مطلوب در جامعه را ندارند (موسوی، سید صدرالدین، درودی، مسعود، 1391).

## بیان مسئله

مقاله حاضر، در صدد بررسی این سؤال است که در تربیت دینی چه عواملی موثر است؟ و چه موانع اساسی بر سر راه تربیت دینی وجود دارد؟ به همین منظور، ابتدا مفهوم تربیت و تربیت دینی مورد بررسی قرار گرفته و سپس عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی (ع) و فیض کاشانی و همچنین استاد شهید مطهری تبیین شده است.

## اهداف پژوهش

در مقاله حاضر برآن است، که ابتدا مفهوم تربیت و تربیت دینی را تبیین کند و سپس عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر اساس تحلیل سخنان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه و همچنین دیدگاه فیض کاشانی (ره) مورد بررسی قرار دهد و در نهایت به بررسی دیدگاه معلم شهید استاد مطهری بپردازد. امید است که مطالعه مقاله حاضر گامی برای تقویت تربیت اسلامی خوانندگان باشد.

## پیشینه پژوهش

1- قاسمی پور (1362) در مقاله با عنوان حرفه معلمی و ویژگی های آن آمده است: «معلم بدون آگاهی از روان شناسی، جامعه شناسی، روش های آموزشی، اصول یادگیری، نحوه ارزشیابی و طرح درس و استفاده از وسایل کمک آموزشی، نمی تواند وظیفه خطیر را در عصر کنونی به نحو شایسته انجام دهد. ماهیت حرفه ای معلم عصر حاضر ایجاب می کند که او با این یافته های جدید آشنا شود و آنها را تدریس به کار برد».

2- کریمی (1375) در مقاله ای تحت عنوان «رسالت معلمی انتقال دانش یا منش» به این نکته اشاره می کند که «شرایطی که معلمان در آن تربیت می شود باید دقیقاً دگرگون شود، به نحوی که معلمان به صورت مربیان در آینده و نه متخصصانی که فقط ناقل محتوای برنامه درسی از پیش تعیین شده هستند».

3- مرزوقی و همکاران (1386) مقاله ای تحت عنوان «تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه» در رابطه با تربیت اجتماعی و اهداف و اصول و روش های آن انجام دادند. یافته های پژوهش نشان می دهد که بخش اعظم موفقیت یک نظام تربیت اجتماعی کارآمد در گرو شیوه هایی است که برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ و به کار گرفته می شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که محور تربیت اجتماعی را باید سلسله ای از حقوق، وظایف و مسئولیت های مربوط به زندگی در میان جامعه دانست.



## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

4- صالحی و تهامی (1388) در مقاله ای تحت عنوان «بررسی و تحلیل عوامل مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان امام علی(ع)» آورده اند: برای شکل گیری تربیت صحیح دینی باید به نقش محیط و مربین توجه کرد.

5- شریعتی (1390) در مقاله ای تحت عنوان «بررسی واژه تربیت در قرآن و سنت» آورده است: کلمه تربیت معادل کلمه رب است که در قرآن فقط در مورد خدا بکار رفته است در صورتی که هیچ وقت این کلمه در حوزه تربیت بکار نرفته است.

6- سبحانی نژاد و فریمانی (1391) مقاله ای تحت عنوان «ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی(ع)» در رابطه با بررسی ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی(ع) با عنایت به نقش الگویی ائمه انجام شده یافته ها حاکی از آن است که امام منشوری جامع، دقیق و همه جانبه عرضه داشته اند که رهنمودهای آن رنگ کهنگی به خود نمی گیرد، زیرا با تأکید با اصول عقیدتی مطرح شده است.

7- همت بناری (1389) در مقاله ای تحت عنوان «در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی» آورده است: با نگاه تحلیلی به مفهوم تربیت عناصر مهم در تحقق عینی آن را اخذ می کنیم.

### عوامل مؤثر بر تربیت دینی از دیدگاه نهج البلاغه:

در سیره تربیتی امام علی(ع) بحث عوامل تربیت بگونه ای شایسته مورد توجه قرار گرفته است و آنحضرت نکته های سود مندی را بیان کرده اند. ایشان عوامل مؤثر بر تربیت به سه دسته تقسیم نموده: وراثت، محیط، اراده فردی.

### الف (عامل وراثت:

از جمله عوامل مهم و مؤثر در تربیت انسان به نحو ضرورت، وراثت است؛ بدین معنا که خصوصیاتاً با و اجداد به نسل های بعدی منتقل می شود (صالحی، تهامی، 1388). ایشان نیکو ترین افراد را از نظر خلق، پاک ترین آنها از نظر اصالت خانوادگی می دانند و می فرماید: «يَاكُمْ وَ تَزْوِيجَ الْحَمَقَاءِ فَأَنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ اولادِها ضياعٌ»؛ زیرا که معاشرت با آنها گرفتاری و فرزندانشان ضایع و تباه می شوند (حر عاملی، 1385، ج 3: 56، به نقل از صالحی، تهامی، 1388)، از همین رو حضرت علی(ع) در انتخاب همسران خود بسیار دقیق بوده اند، ایشان نخستین همسر خود را از خانواده های نبوی انتخاب نمودند و پس از وفات آن حضرت نیز در انتخاب همسر جدید، یعنی ام البنین نیز به همین امر توجه کرده اند. ایشان در نامه خود به مالک اشتر، ملاک انتخاب فرماندهان سپاه را بر خورنداری از اصالت خانوادگی و ریشه دار بودن دانسته اند که به نقش وراثت در تربیت اشاره دارد و می فرماید: سپس در نظامیانبا خانواده های ریشه دار، دارای شخصیت حساب شده، سلحشور، بخشنده و بلند نظرند، روابط نزدیک برقرار کن، آنها همه بزرگواری را



## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

در خود جمع کرده و نیکی ها را در خود گرد آورده اند (نهج البلاغه، نامه 53 : 575، به نقل از صالحی، تهامی، 1388).

### ب ( عوامل محیطی:

دومین عامل مؤثر در تربیت دینی، عوامل محیطی است. این عوامل شامل خانواده، دوستان و محیط اجتماع است (صالحی، تهامی، 1388) در زیر تمامی این عوامل را توضیح می دهیم:

### 1- خانواده:

خانواده مهمترین و مؤثرترین عامل در تربیت فرزند است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُتِبُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم، 6). ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و اهلتان را از آتش حفظ کنید. حضرت علی (ع) در نامه ای به فرزندان شان می فرماید: «همانا کودک و نوجوانمانند زمیون کاشته نشده اماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود، پس در تربیت توشتاب کردم، قبل از آن که دل تربیت پذیرت سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد» (نهج البلاغه، نامه 31 : 523، به نقل از صالحی و تهامی، 1388). به عقیده محقق تربیت درست و انسانی تا حد زیادی در خانواده های درست شکل می گیرد. اما در خانواده های نابسامان نمی توانند چنین تربیت انتظار داشت خانواده نابسامان خانواده ای است که به دلایل گوناگون از تعادل خارج شده است و خانواده کاملاً ایده ال یا ارمانی به هیچ وجه وجود ندارد. خانواده نابسامان تحت تأثیر علل فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی شکل می گیرد.

### 2- همبازی ها و دوستان:

انسان موجودی اجتماعی است و در سر تاسر زندگی خود نیاز به رفاقت و دوستی دارد تا بتواند نیازهای خود را رفع نماید و شادمان زندگی کند. بر همین اساس حضرت علی (ع) دوستی کردن رانیمی از خرد مندی می داند و می فرماید: «الْمَوَدَّةُ نِصْفُ الْعَقْلِ» (نهج البلاغه، حکمت 142 : 659). هر رفیقی با توجه به اندازه رفاقت و دوستی در امور مادی و معنوی دوست خود نفوذ می کند خواسته ها نا خواسته بر عقاید، اخلاق، رفتار و گفتار دیگری تأثیر می گذارد (دلشاد تهرانی، 1382 : 120، به نقل از صالحی، تهامی، 1388). حضرت علی (ع) در باره شناخت دوستان و دشمنان می فرماید: دوستان تو سه گروه اند و دشمنان نیز سه دسته اند؛ اما دوستان: دوست تو، دوست دوست تو و دشمن دشمن تو است و اما دشمنان: دشمن تو، دشمن دوست تو و دوست دشمن تو است (نهج البلاغه، حکمت 295 : 700).



## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

بنابراین به عقیده محقق انتخاب دوست و روابط اجتماعی با دوستانی تواند یکی از عوامل مهم تربیتی و تداوم تربیت های درست به شمار آید.

### 3- محیط اجتماع:

از منظر امام علی (ع) عامل دیگری که بر تربیت دینی و انسانی مؤثر است اجتماع است. انسان و محیط بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند، همان گونه که انسان محیط اجتماع را می سازد، از آن تأثیر می پذیرد (صالحی، تهامی، 1388). در واقع انسان و محیط مکمل یکدیگر هستند و پیوسته بر همتأثیر گذارند و این انسان است که باید بتواند خود را در برابر تأثیرات بد محیط حفظ کند. امام علی (ع) در این باره می فرماید: در دگرگونی روزگار، گوهر شخصیت انسان شناخته می شود (نهج البلاغه، حکمت 217 : 675). به عقیده محقق انسان در محیط تربیت می شود و شخصیتش ساخته می شود، پس باید افرادی که وظیفه سنگین و خطیر تربیت فرزندان این مرز و بوم را بر عهده گرفته اند بالاخص معلمان باید محیطی امن برای این کار فراهم کنند.

### ج) اراده فردی:

اگر بپذیریم که تربیت فقط در گرو محیط و وراثت است، در چنین صورتی نقش فرد در تربیت، یکنقش منفعل خواهد بود. انسان قدرت اراده و تعیین سرنوشت دارد (صالحی، تهامی، 1388). بنابراین اراده فرد نیز بسیار مهم و تأثیر گذار در تربیت فردی است. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: «پس هر کس با تلاشش برای خود از روزگار، زندگانی برای ایام پس از مرگ، از دنیای فنا پذیر برای جهان آخرت پایدار و از گذر گاه دنیا برای زندگی جاودانه آن را بسوی اطاعت پروردگار بکشانند» (نهج البلاغه، خطبه 237 : 473، به نقل از صالحی، تهامی، 1388). به عقیده محقق اراده ی هرفردی مهم تر از اجتماع و محیط است، چرا که در طول تاریخ انسان های زیادی به درجه بالایتربیت رسیده اند در حالی که محیط و خانواده هایی کاملاً به دور از تربیت انسانی و دینی رشد پیدا کرده اند.

### دید گاه ملا محسن فیض کاشانی (ره) با رویکرد تربیت دینی و عوامل مؤثر بر آن:

با توجه به این که یکی از مشکلات مهم عصر ما بحران هویت دینی و فقدان معنویت است امروزه عوامل مؤثر در تربیت انسان مورد توجه جدی اندیشمندان علوم تربیتی قرار گرفته است. بنابراین بعضی منشأ تربیت دینی انسان را ذاتی می دانند (طباطبایی، بی تا، ج 2: 121، به نقل از پازوکی، 1387).

به خاطر ارزش و اهمیتی که تربیت دینی و انسانی دارد متفکران و صاحب نظران بسیاری در این زمینه به تحقیق پرداخته اند و نظرات فراوانی در این زمینه ارائه کرده اند. تقریباً تمام متفکران معنای اصطلاحی تربیت را پرورش دادن، به فعلیت رساندن، بقای استعدادها و هماهنگی بین قوا و از بین بردن موانع می دانند



## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

(رفیعی، 1381: 94-89، به نقل از پازوکی، 1387). ملا حسن فیض کاشانی (ره) تربیت دینی را آنگاه ثمر بخش می‌داند که به شیوه های صحیح و روش های مناسب انجام پذیرد. وی عوامل مؤثر در تربیت را مهم و تاثیر گذار می‌داند و بر آنها تاکید دارد. در ذیل برخی از عوامل را بیان خواهیم کرد:

### محبت کردن

فیض (ره) اولین روش تربیت دینی را مهر ورزی می‌داند و می‌گوید نیاز به محبت و محبوب بودن از نیاز های اساسی انسان است و اجتماع اکنده از محبت و دوستی زمینه بسیار مناسبی برای پیشرفت و ترقی افراد را فراهم می‌کند. درقرآن نیز رمز موفقیت پیامبر(ص) را در زمینه اشاعه دین و فرهنگ مهر ورزی و نرم خویی او ذکر می‌کند و می‌فرماید: فِيمَا رَحِمَتْهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ رَحْمَةٌ لَكُنْتُمْ أَفْئُكَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا فَمِنْ حَوْلِكَ (ال عمران: 159). فیض روایتی از پیامبر نقل می‌کند که پیامبر می‌فرماید: «مَثَلُ الْأَخَوَيْنِ مَثَلُ الْيَتِيمَيْنِ يَغْتَلِّ أَحَدُهُمَا الْأُخْرَى» مثل دو برادر مثل دو دوست است که یکی دیگری را در شستشو یاری می‌دهد و چنین وضعیتی بین برادران دینی ایجاد نمی‌شود مگر در سایه محبت و دوستی (فیض، بی تا، ج 3: 283، به نقل از پازوکی، 1387).

### محترم شمردن دیگران

یکی از روش های مهم در تربیت دینی، احترام به شخصیت دیگران است. درنظام تربیتی اسلام انسان ساختاری دارد که مظهر رب العالمین است و خداوند نیز انسان را با کرامت آفرید و می‌فرماید: «ولقد کرما بنی آدم» (اسراء: 17).

فیض (ره) یکی از وظایف مردم مسلمان نسبت به یکدیگر را احترام زبانی ذکر می‌کند. الحق الثالث علی اللسان: بالسکوت مره والنطق اخری... یکی از حقوق برادران دینی نسبت به یکدیگر حق زبان است که باید گاهی با سکوت و گاهی با سخن گفتن سبب بزرگداشت برادر دینی خود شد (فیضی، 1423: 323، به نقل از پازوکی، 1387).

### امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از مسلمات اسلام و از مهمترین روش های تربیت دینی است که همه ی مسلمانان بر ضرورت آن اتفاق نظر دارند. اهمیت آن نیز بدلیل آیات و روایات فراوان و آثار و فواید مهم و مثبت فردی و اجتماعی آن است. فیض (ره) در این مورد می‌گوید: الامر بالواجب واجب و بالمندوب و النهی عن الحرام واجب (فیض، بی تا، ج 4: 106، به نقل از پازوکی، 1387). امر به مسایل واجب، واجب و امر به مستحب، مستحب است و بازداشتن از حرام نیز واجب است فیض (ره) برای اسباب وجوب شرعی به آیات، روایات، اجماع و عقل سلیم استشهاد می‌کند (همان: 96-106).

### مدارا و دوستی





## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

یکی از عواملی که بر تربیت دینی باید مورد توجه قرار گیرد استفاده از شیوه رفق و مدارا با مردم است. مدارا در لغت به معنای نرمی و ملاطفت و ملایمت است در اصطلاح مدارا یعنی حسن معاشرت با مردم و تحمل مشکلاتی که از ناحیه اطرافیان متوجه انسان می شود (طریحی، 1362، ج 1: 137، به نقل از پازوکی، 1387). به عقیده محقق مدارا در اسلام ناظر به بعد اجتماعی دین است و به عنوان یک تکلیف اجتماعی مطرح می باشد به این معنا مسلمانان باید در جامعه با یکدیگر رفتار مسالمت آمیز داشته باشند و در برابر نا ملایمت دیگران تحمل داشته باشند.

در تربیت اجتماعی معلمان، مربیان و در رأس آنان پیامبران درصددند با بالا بردن قدرت تحمل، روحیه، - ملاطفت، ملایمت و عقلانیت در مردم آنان را برای سازگاری بیشتر آماده کنند و به منظور تحقق این امر در برخورد با مخالفین دستور رعایت تقیه را داده اند و در مورد دوستان با بیان راه کار های مدارا، مردم را به این امر ترغیب کرده اند (به نقل از پازوکی، 1387: 39).

### نگاه شهید مطهری به تربیت اسلامی و دینی و عوامل مؤثر در آن:

#### تربیت از منظر استاد شهید مطهری:

تربیت اخلاقی به مفهوم پرورش روح انسان، خصلت ها، سجایا و ملکات و همچنین تقویت اراده می باشد، علاوه بر این پرورش انسان، تا زمانی که خصایص مافوق حیوان پیدا کند، مفهوم تربیت می باشد. ایمان و مذهب را پشتوانه محکمی برای اخلاق می داند، یعنی اخلاق را که خود یک سرمایه ی بزرگ برای زندگی است بدون ایمان اساس و پایه ی درستی ندارد، زیربنای همه ی اصول اخلاقی و منطق آنها، بلکه سر سلسله همه معنویات، ایمان مذهبی یعنی ایمان و اعتقاد به خداست (مطهری، مرتضی، 1384). معلم شهید استاد مطهری در مورد تربیت می نویسد: تربیت، پرورش دادن و به فعلیت رساندن تمامی استعدادها و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آن هاست (مطهری، 1385: 55-68). از نظر استاد مطهری تربیت بهره گیری از استعداد و توانایی هاست. بر همین اساس ایشان برای تربیت اسلامی و دینی چند رکن ذکر می کنند. نخستین رکن تربیت اسلامی اهتمام به پرورش فکر و اندیشه آدمیان است. اسلام بر اصل مسأله علم آموزی و تعقل تأکید فراوانی کرده و علاوه بر آن درباره خصوصیات علمی که انسانها باید در پی آموختن آن باشند نیز به تفصیل سخن گفته است. استاد مطهری می نویسد که ذهن متعلم چونان انباری است که یک سری اطلاعات در آن ریخته شود در حالی هیچ دخالتی در چند و چون و تقدم و تأخر آنها ندارد. اما تعقل مبتنی است بر «پرورش و استقلال یافتن نیروی فکری متعلم و زنده شدن قوه ابتکار در او» آنچنان که خود مستقلاً بتواند اطلاعات خامی را که از منابع گوناگون دریافت می کند تألیف کند و با تأمل در آنها احیاناً به نتایج جدیدی برسد. قوت گرفتن نیروی تعقل در وجود آدمی در نهایت او را تبدیل به یک مجتهد خواهد کرد و «اجتهاد واقعی نیز همین است که وقتی یک مسأله جدید که انسان هیچ سابقه ای درباره آن ندارد، به او عرضه شد فوراً بتواند اصول را به نحو صحیح بر آن تطبیق کرده و نتیجه گیری نماید» (محمدی، مهدی، 1389).

دومین رکن از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری در تربیت اسلامی و دینی پرورش استعدادهای نهفته در وجود آدمی است. از اولیات انسان شناسی اسلامی یکی این است که لوح وجود آدمی در بدو تولد پاک و بی نقش نیست و خداوند در نهاد همه ابناء بشر



## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

پیش از تولد آنها آداب و عقایدی را به ودیعه نهاده است. این تعلیمات پیشینی، اگرچه به نحو آگاهانه در ضمیر انسانها موجود و مستقرند لکن همه آنها بالفعل نیستند و در بسیاری از موارد از قوه به فعل درآوردن انسانها محتاج نوع خاصی از سلوک جسمی و روحی و مآلاً نحوه خاصی از تربیت و آموزش است. استاد شهید معتقد است که به واقع تربیت چیزی جز پرورش دادن استعدادهای موجود در باطن انسانها نیست. اگر انسان چیزی هم از خارج می آموزد برای آن است که آن آموخته ها و اطلاعات را بر «فطریات خود» بیفزاید و از امتزاج و در هم رفتن آنها نیروی بیشتری بگیرد و طریق کمال را سریعتر طی کند (محمدی، مهدی، 1389). استاد شهید مطهری عواملی را که در تربیت دینی و اسلامی تأثیر گذارند نیز بیان می کند که به آن ها در ذیل به طور مختصر اشاره شده است:

### توازن امور ثابت و امور متغیر:

انسانها از اینکه در انسانیت واحد و مشترک هستند، برخی نیازهای ثابت و مشترک دارند و چون وضع حاکم بر زندگیشان فرق می کند، دائماً در حال تغییر هستند. از طرفی هر کدام از نیازهای ثابت و متغیر در زندگی انسان جایگاه خاص خود را دارد و باید مورد توجه قرار گیرد. در تربیت نیز باید در همه عناصر اصلی تربیت بین امور ثابت و متغیر توازن وجود داشته باشد؛ به عنوان مثال دانستن «حقیقت امور» یک نیاز ثابت است. همه انسانها در طول تاریخ دنبال حقیقت بوده اند. ولی اینکه حقیقت امور کدام است و چگونه باید حقایق را شناخت از جنبه های متغیر زندگی گرفته می شود؛ مثلاً وقتی می بینیم در رسانه های جمعی و فناوری اطلاعات تغییرات اساسی به وجود آمده است، نمی توان گفت من برای کشف حقایق امور عالم قصد بهره گیری از این وسایل و ابزار را ندارم. اگر این گونه بیندیشیم یقیناً در خیلی از امور عقب می مانیم در حالی که استفاده از آنها هیچ گونه ماینت با امور ثابت ندارد. به تعبیر شهید مطهری یکی از رموز خاتمیت و جاودانی بودن دین اسلام این است که «برای احتیاجات ثابت و دائم بشر، قوانین ثابت و لایتغیری در نظر گرفته و برای اوضاع و احوال متغیر وضع متغیری را پیش بینی کرده است (ملکی، فصل نامه 50).

پاره ای از نیازهای بشر، چه در زمینه های فردی و چه در زمینه های اجتماعی، وضع ثابتی دارد که در همه زمانها یکسان است. نظامی که انسان باید به غرایز خود بدهد، اخلاق نامیده می شود و نظامی که باید به اجتماع بدهد، عدالت خوانده می شود و رابطه ای که باید با خالق خود داشته باشد و ایمان خود را تجدید و تکمیل کند، عبادت نامیده می شود. برخی دیگر از نیازهای بشر متغیر است و از لحاظ قانون وضع متغیری پیدا می کند. اسلام برای این احتیاجات متغیر، وضع متغیری در نظر گرفته است. از این راه که اوضاع متغیر را با اصول ثابت و لایتغیر مربوط کرده است و آن اصول ثابت در هر وضع جدید و متغیری، قانون خاص و متناسبی تولید می کند؛ مثلاً ریشه و اصل قانون «سبق و رمایه» که یکی از ابواب فقه است، اصل «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» است (که یکی از اصول اجتماعی است). تبر و شمشیر و نیزه و اسب از نظر اسلام اصالت ندارد و جزء اهداف اسلامی نیست. آنچه اصالت دارد این است که مسلمانان باید در هر عصر و زمانی تا آخرین حد امکان از لحاظ قوای نظامی و دفاعی در برابر دشمن قوی باشند (مطهری، 1380: 66-59).



## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

برای فهم درست نیازهای ثابت و متغیر باید نیازسنجی کرد. نگاه فلسفی و اعتقادی به انسان نیازهای ثابت او را مشخص می کند و نگاه علمی و تحقیقی به انسان، نیازهای متغیر او را نشان می دهد. هر قدر برنامه ریزان و مربیان نیازها را بفهمند برنامه های تربیتی را با حرکت رشد و کمال کودکان و نوجوانان هماهنگتر می سازند. آنچه تحت عنوان استعدادهای عالی در انسان مطرح است زمینه های شناخت نیازهای ثابت آدمی به شمار می رود و آنچه موقعیت زمان نامیده می شود نیازهای متغیر را جهت می دهد (ملکی، فصل نامه 50).

### هدایت خواهی:

مربی در تربیت اسلامی به هیچ بهانه ای نباید از تربیت متربی ملول شود و مسؤولیت خود را تمام شده تلقی کند. چون تربیت، کاری خدایی است. خداوند متعال بنده خود را در هر وضعیتی تحت نظر دارد. هر قدر بنده راه گم کند باز خداوند طالب هدایت و تربیت اوست. مربیان و معلمانی که از مکتب اسلام تأثیر اساسی گرفته باشند به طور نسبی از همین صفت مطلق الهی باید بهره مند شده باشند. مربی اسلامی از تلاش برای ساختن و تأثیرگذاری بر روح و روان متربی لذت می برد و این کار را عبادت تلقی می کند. در نظام فکری شهید مطهری نیز این ویژگی تربیت اسلامی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. این متفکر اسلامی که از اسلام ناب بهره های فراوان برده، معتقد است که تعصب ما به اسلام و کسانی که زیر لوای اسلام زندگی می کنند نباید در حدی باشد که علیه آنهایی که زیر لوای اسلام نیستند بدخواه باشیم و هدایت آنها را از خداوند متعال طلب نکنیم. وقتی که اینها (افراد ضد اسلام) هدایت نمی شوند و گذشته از این به صورتخار در سر راه دیگران درمی آیند، باید به آنها به چشم یک مانع نگاه کرد ولی نباید بدخواهشان بود. حتی انسان، بدخواه ابوجهل هم نباید باشد و مثلاً بگوید خدا نکند که ابوجهل مسلمان شود و به شهادت برسد. نباید آرزو کنیم که مانند ابوجهل ها یک وقت راه به حق پیدا نکند. یزید بن معاویه هم وقتی که از زین العابدین (ع) سؤال می کند که آیا من اگر توبه کنم توبه من قبول است یا نه، حضرت می فرماید بله قبول است؛ یعنی او هم بدخواه یزید نیست که آرزو کند که چون یزید قاتل پدرش می باشد توفیق توجه پیدا نیابد تا به جهنم برود، بلکه برای او هم خیر می خواهد» (مطهری، 1374: 257، به نقل از ملکی، فصل نامه 50).

### حکمت جویی:

حکمت به معنای برهان خالص است. گاهی برهان قوی نیست و به شائبه های گوناگون آلوده است و تأثیر لازم را در شنونده به جا نمی گذارد و هدایت نمی کند. همه پیامبران و انسانهای صالح نقش حکیمانه داشته و ضمن ارائه حکیمانه پیام تلاش کرده اند انسانهای حکیم پرورش دهند. قرآن مجید حکمت را به حضرت لقمان به عنوان موهبتی الهی طرح می کند. اگر خداوند به بنده صالح خود حکمت می آموزد بنده او نیز به عنوان مربی تربیت اسلامی باید به فراگیران حکمت بیاموزد؛ یعنی آنان را به سوی برهانهای خالص راهنمایی کند، این موضوع به قدری اهمیت دارد که تفاوت نمی کند که توسط چه کسی ارائه شود. «این حدیث، معروف است که الحکمه ضاله المؤمن» حکمت، گمشده مؤمن است.



## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

حکمت بدون شک یعنی علمی که محتوای حقیقت باشد؛ علمی که استحکام و پایه داشته باشد. ما نمی توانیم اینها را درست نقاشی کنیم و کارهایی را که تبلیغات چی همامی کنند انجام دهیم والا هریک از اینها از نظر ارزش تبلیغاتی برای اسلام فوق العاده است که ایمان تا این حد تقدیس کننده حکمت باشد که بگویند حکمت گمشده مؤمن است؛ یعنی حالت مؤمن برای دریافت حقایق باید حالت کسی باشد که شیء نفیسی از او گم شده و دائماً در جستجوی آن است. این حدیث در احادیث زیادی دنباله دارد. من یک وقتی مدارکش را جمع کردم شاید قریب به این مضمون بیست جا پیدا کنیم که «خذوا الحکمه و لو من اهل النفاق» حکمت را فراگیرید ولو از منافقین ولو از کافران، ولو از مشرکین، ولو من مشرک؛ یعنی اگر احساس کردی که آنچه او دارد درست است و علم و حکمت است فکر نکن که او کافر است، مشرک است، نجس است، مسلمان نیست، برو بگیر، حکمت مال تو است، در دستاوعاریهاست» (مطهری، 1374: 277). به عقیده محقق با توجه به این سخن شهید مطهری جایگاه حکمت آموزی در تربیت اسلامی دو نکته مهم را به برنامه ریزان تعلیم و تربیت و مربیان یادآور می شود: یکی اینکه در اهداف و محتوای تربیت، حکمت را به عنوان یک محور اساسی مورد توجه قرار دهید. دوم اینکه برای حکمت آموزی به پیام حکیمانه توجه کنید نه به آنان که حکمت را در اختیار دارند. -براین اساس می توان در تعلیم و تربیت از یافته های تربیتی غیرمسلمانان برای دستیابی به اهداف نظام اسلامی بهره گرفت.

### بهره گیری از اراده:

انسان موجودی مختار و با اراده است که امور خود را با اختیار انجام می دهد. به همین دلیل خداوند متعال، یافتن و حرکت کردن راه راست را برعهده خود افراد گذاشته است. هدایت الهی با اکراه و اجبار انجام نمی پذیرد بلکه از درون باید بجوشد. آیات و روایات متعدد این معنا را تأیید کرده اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده، 105) «ای کسانی که ایمان آورده اید، به خود پردازید اگر شما هدایت یافته اید، آنان که گمراه مانده اند به شما زبانی نرسانند بازگشت همه شما نزد خداست، تا شما را به آن کارها که می کرده اید آگاه گرداند». خدایی که برای بشر، پیامبر و کتاب فرستاده است در نهایت از خود انسانها می خواهد که خودشان را در مسیر حق، مدیریت و هدایت کنند. پیام الهی از جانب خداوند دریافت می شود ولی تا خود فرد نخواهد آن پیامها مؤثر واقع نمی شود.

به عقیده محقق در تربیت هم از این قاعده باید پیروی کرد. فراگیران اراده و اختیار دارند. باید وضع را طوری ساماندهی بکنیم که آنها با اراده خود و با انگیزه قلبی به سوی کسب فضایل اخلاقی و صفات انسانی حرکت کنند. خیلی از مشکلات رفتاری آدمها به افراطهای مربیان مربوط می شود. اگر رفتاری را بدون اقناع درون به افراد تحمیل کنیم آنان پس از مدت کوتاهی به خود ما پس خواهند داد و هرگز به رفتار دینی قوی و ریشه دار تبدیل نمی شود.



## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

شهید مطهری می گوید: یکی از مسائلی که مذهبپون به آن متمسک می شوند در همین جاست. می گویند اراده، قوه اجرایی عقلا است ولی خود عقل چیست و از عقل چه کاری ساخته است؟ عقل جز روشنائی چیز دیگری نیست که انسان را روشن می کند، اما آیا روشن کردن به انسان جهت می دهد که حالا که اطرافت روشن نشد از این طرف برو یا از آن طرف؟ انسان دنبال آنچه می خواهد می رود و از چراغ عقل استفاده می کند برای رسیدن به مطلوب خودش. مشکل این است که چه مطلوبی داشته باشد؟ البته در اینکه انسان نیاز دارد به چراغ عقل برای اینکه (راه او را) روشن کند بحثی نیست. انسان اگر در تاریکی حرکت کند، مطلوب خودش را گم می کند. در نیاز به عقل بحثی نیست. ولی سخن در این است که عقل و علم، که در واقع مکمل و به عبارت دیگر عقل اکتسابی است، روشنائی است، محیط را روشن می کند، انسانی فهمد چه می کند، می فهمد که اگر بخواهد به فلان مقصد برسد از اینجا باید برود این وسیله است برای آن مقصد و آن وسیله است برای این مقصد ولی آیا فهمیدن و دانستن کافی است که اراده انسان بر تمایلات او حکومت بکند؟ نه، چرا؟ برای اینکه انسان فی حد ذاته اینطور است که دنبال منافع خودش می رود و اراده اش تا آن اندازه که ممکن است بر میلهایش حکومت بکند که منافعش اقتضا می کند (مطهری، 1374: 322).

### انسانیت دوستی:

شهید مطهری یکی دیگر از عوامل مؤثر در تربیت را انسانیت دوستی می داند و می گوید: در تربیت، انسان دوست باید باشیم یا انسانیت دوست؟ تفکر اسلامی ضمن احترام به انسان، انسانیت را بیش از انسان محترم و ارزشمند می شمارد. اگر انسانی ارزشمند تلقی می شود به دلیل ارزشهایی است که در وجود او نهاده شده است. چرا از انسانهای صالح و در رأس آنها از انبیا و ائمه اطهار (ع) با حس تقدس و احترام یاد می شود؟ چون آنان با فرهنگ الهی و انسان زندگی می کنند. حتی در بین غیرمسلمانان نیز آنانی که از ارزشهای انسانی دفاع کرده اند ارزش بیشتری دارند. در اندیشه شهید مطهری این موضوع با تحلیل کافی و با ذکر مثالهای مناسب مورد بررسی قرار گرفته است:

یک وقت می گوییم «انسان» یعنی این هیكل خاص که در همه این افراد مشترک است و انسان را دوست داشته باشیم؛ یعنی هرکسی را که از نسل آدم هست دوست داشته باشیم و خلاصه منظور از انسان، انسان زیست شناسی، آن که زیست شناسی او را انسان می داند. آیا مقصود این است؟ یا نه مقصود انسان بما هو انسان است؛ یعنی انسان به خاطر ارزشهای انسانی به خاطر انسانیت و انسان دوستی یعنی انسانیت دوستی. اینجا است که وقتی چمبه و لومومبا را کنار همدیگر می گذاریم، دو نوع از آب درمی آیند؛ این یک چیز از آب درمی آید، آن چیز دیگر؛ یعنی ممکن است این یک انسان از آب درمی آید یک انسان درست با ارزشهای انسانی و آن نه تنها یک انسان نباشد بلکه حیوان هم نباشد و به تعبیر قرآن از حیوان هم چند درجه پایین تر باشد، انسان را باید دوست داشت به خاطر انسانیت نه به خاطر همین هیکلش و به عبارت دیگر انسانیت را باید دوست داشت» (مطهری، 1374: 359).



## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

با توجه به اهمیت انسانیت در تفکر اسلامی دو پیام مهم برای برنامه ریزان تعلیم و تربیت قابل ذکر و توجه است:

اول این که در کلاس درس همه دانش آموزان را صرف نظر از نژاد و فرهنگ مورد توجه تربیتی قرار دهیم. چون همه آنان از فطرت الهی برخوردارند و ما امانت دار فطرت الهی هستیم. و دوم این که محتوای تعلیم و تربیت و روش های آن را بر محور ارزشهای انسانی تنظیم کنیم.

### جذب و دفع:

انسان موجودی متفکر، عاطفی و حقیقت خواه است. نمی تواند با همه انسانها و با همه موقعیتهای به طور یکسان رو به رو شود. اگر با همه اوضاع یک جور برخورد کند از گوهر انسانی خود دور افتاده است. «اصل جذب و دفع یکی از اصول و قوانین حاکم بر هستی است و به یک اعتبار یک قاعده هستی است. قانون جذب و دفع یک قانون عمومی است که بر سرتاسر نظام آفرینش حکومت می کند. از نظر جوامع علمی امروز بشر، مسلم است که هیچ ذره ای از ذرات جهان هستی از دایره حکومت جاذبه عمومی خارج نبوده و همه محکوم آنند. از بزرگترین اجسام و اجرام عالم تا کوچکترین ذرات آن دارای این نیروی مرموز به نام نیروی جاذبه هستند و هم به نحوی تحت تأثیر آن می باشند» (مطهری، 1374: 17). بر همین اساس کسانی که در تربیت جامعه تأثیر گذارند به خصوص معلمان گرامی باید به این موضوع توجه کنند، قسمت عمده ای از دوستی ها و رفاقتها و یا دشمنی ها و کینه توزی ها همه مظاهری از جذب و دفع انسانی است. این جذب و دفعها براساس سنخیت و یا ضدیت و منافرت پی ریزی شده است. «گاهی دو نفر انسان یکدیگر را جذب می کنند و دلشان می خواهد با یکدیگر دوست و رفیق شوند. این رمزی دارد و رمزش سنخیت این دو نفر است تا در بینشان مشابهتی نباشد همدیگر را جذب نمی کنند و متمایل به دوستی با یکدیگر نخواهند شد» (همان، 1364: 19).

«غالباً خیال می کنند که حسن خلق و لطف معاشرت و به اصطلاح امروز اجتماعی بودن، همین است که انسان همه را با خود دوست بدارد. اما این برای انسان هدفدار و مسلکی که فکر و این رأی را در اجتماع تعقیب می کند و درباره منفعت خود نمی اندیشد، میسر نیست. چنین انسانی خواه ناخواه یک رو و قاطع و صریح است مگر اینکه منافق و دورو باشد زیرا همه مردم یک جور فکر نمی کنند و یک جور احساس ندارند و پسندهای همه یکنواخت نیست. عادل دارد، فاسق دارد و آنها همه نمی توانند یک نفر آدم را که هدفی را به طور جدی تعقیب می کند و خواه ناخواه با منافع بعضی از آنها تصادم پیدا می کند، دوست داشته باشند. تنها کسی می تواند درستی طبقات مختلف و صاحبان دینهای مختلف را جلب کند که متظاهر و دروغگو باشد و با هر کس مطابق میلش بگوید و بنمایاند. اما اگر انسان یک رو باشد و مسلکی، قهرأ یک عده ای با او دوست می شوند و یک عده ای دشمن» (مطهری، 1364: 23).

به عقیده محقق باید کودکان و نوجوانان را بتدریج با روحیه جذب و دفع پرورش دهیم. چون اگر فقط جاذبه داشته باشیم همه انسانها با هر نوع فکر و اندیشه ای وارد می شوند و مرز حق و باطل در نظر



# اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

انسانها با هم خلط می شود، و اگر فقط دافعه باشد امکان و فرصت تأثیرگذاری، آدم سازی و توسعه امت اسلامی از دست می رود هریک از این دو حالت با وظیفه و رسالت مسلمانی سازگار نیست.

## پیوند تربیت با معنویت:

بین تربیت و معنویت رابطه ذاتی وجود دارد. در همه اجزا و عناصر تربیتی باید از طریق دعا و نیایش، جهت فعالیتها را به سوی خداوند معطوف کنیم تا هدفهای تربیتی تحقق یابد. به قدری این ارتباط تربیت و معنویت قوی است که اگر برخی ارزشهای انسان که مورد قبول دین اسلام هم هست در وجود کسی باشد نهایتاً آن انسان به سوی معنویت الهی حرکت خواهد کرد. اگر انسان علاقه مند به تربیت خودش و فرزندانش به تربیت اسلامی هست و یا می خواهد افرادی را تربیت کند واقعاً باید به مسأله نیایش، دعا و عبادت اهمیت بدهد و اصلاً مسأله عبادت، قطع نظر از اینکه پرورش یک حس اصیل است تأثیر زیادی بر سایر نواحی آن دارد (مطهری، 1374: 341، به نقل از ملکی، فصل نامه 50). اعمال و رفتار انسان یک صورت و یک سیرت دارد. ممکن است دو نفر یک کار را انجام دهند یکی از آنها کار را برای یک هدف دنیوی انجام دهد و دیگری همان کار را برای رضای خدا به انجام رساند. دومی سیرت الهی دارد و با معنویت درآمیخته است در نتیجه ارزش و جایگاه ویژه پیدا می کند.

## بحث و نتیجه گیری

در این مقاله به موضوع تربیت دینی و عواملی که در شکل گیری آن تأثیر گذار هستند را از منظر نهج البلاغه و فیض کاشانی (ره) و همچنین اندیشه های استاد شهید مطهری بررسی کردیم.

از سخنان حضرت علی (ع) در رابطه با تربیت دینی می توان نتیجه گرفت که بنیادی ترین رکن در تکامل فرد و جامعه، تفکر و معرفت است که باعث رسیدن به کمال فردی می شود. حضرت علی (ع) در مورد تربیت، قبل از هر چیز انسان را مسئول خویش و مؤثر در تربیت خویش می داند و از اراده انسان به عنوان مهمترین عامل یاد می کند. فیض کاشانی نیز عوامل مؤثر در تربیت دینی و انسانی را بسیار مهم می داند، طوری که شناختن این عوامل و راه ها و بکار بستن آنها در رسیدن به تربیت دینی را برابر با داشتن جامعه ای سالم و بدور از بحران ها و چالش های اخلاقی می داند.

با نگاهی به اندیشه های استاد شهید مطهری (ره) به این نتیجه می رسیم که ایشان اخلاق را که خود یک سرمایه بزرگ برای برای زندگی انسان است، بدون ایمان، بی پایه و اساس می داند. انسان تربیت انسان الهی را هدف غایی تربیت الهی می داند و برای آن عوامل و اصولی را بیان می کند. تأمل در اصول مزبور، تناسب بین آنان و هدف غایی تربیت اسلامی را آشکار می سازد. به عنوان نمونه اصل هماهنگی با





## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

---

فطرت به این دلیل منظور شده است که الهی شدن آدمی در اثر شکوفایی استعدادهای فطری در پرتو آموزه های دینی انجام میپذیرد. بدون هماهنگی محتوای تربیت با گرایشهای فطری نمیتوان به غایت تربیت اسلامی رسید.





## اولین کنفرانس ملی بررسی اندیشه های بزرگان دینی ملی

### منابع

- 1- قرآن کریم، ترجمه و تفسیر مهدی الهی قمشه ای، تصحیح کامل زیر نظر استاد محمدباقر بهبودی. تهران: انتشارات صالحی.
- 2- نهج البلاغه . ترجمه محمد دشتی، فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، 1387، قم.
- 3- صالحی، اکبر و تهامی، رحیمه سادات، بررسی و تحلیل عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، دوفصلنامه علمی - پژوهش تربیت اسلامی، شماره 9، 1388، 14-75.
- 4- شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، چاپ سیزدهم، امیر کبیر، تهران، 1374.
- 5- شریعتی، سید صدر الدین، بررسی واژه تربیت در قرآن و سنت، فصل نامه روان شناسی تربیت، 22، 1391.
- 6- کربلایی پازوکی، علی، روش های تربیت اجتماعی از منظر ملا محسن فیض کاشانی (ره)، فصلنامه روانشناسی تربیتی، 1387.
- 7- مطهری، مرتضی. آشنایی با قرآن. ج 7، 8 و 9، انتشارات صدرا، تهران، 1378.
- 8- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت، صدرا، تهران، 1385.
- 9- مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، تهران، 1374.
- 10- مطهری، مرتضی، پانزده گفتار، انتشارات صدرا، تهران، 1380.
- 11- مطهری، مرتضی. جاذبه و دافعه علی (ع)، انتشارات صدرا، تهران، 1364.
- 13- مطهری، مرتضی. حکمت ها و اندرزها، انتشارات صدرا، تهران، 1373.
- 14- مطهری، مرتضی، ده گفتار، انتشارات صدرا، تهران، 1369.
- 15- مرزوقی، رحمت الله و صفری، یحیی، مبانی و روش های تربیت عقلانی از منظر متون اسلامی، دو فصل نامه تربیت اسلامی، ش 5، 1386، 134-115.
- 16- مطهری، مرتضی. سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، تهران، 1353.
- 17- همت بناری، علی، در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی با تاکید در آیات و روایات، 1389.